

# مروز زمان در مجازاتهای بازدارنده

## (تحلیل مواد ۱۷۳ و ۱۷۴ ق.آ.د.ک.)

صمد حضرتی

قاضی دادگستری  
رجه

مقدمه:

وقتی تعقیب جرمی یا اجرای حکمی شروع شد، دیگر نمی‌توان آن را توقيف، قطع و یا موقوف کرد مگر در مواردی که قانون تعیین و مشخص کرده است و مروز زمان از مواردی است که مقنن آن را از موارد موقوفی تعقیب و اجرای حکم دانسته است که این امر مطابق بند ۶ ماده ۶ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ چنین مقرر شده است: تعقیب امر جزایی و اجرای مجازات که طبق قانون شرع شده باشد موقوف نمی‌شود مگر در موارد زیر:

- اول - فوت متهم یا محکوم علیه در مجازاتهای شخصی
- دوم - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت
- سوم - مشمولان عفو
- چهارم - فسخ مجازات قانونی

### پنجم- اعتبار امر مختومه

#### ششم- مرور زمان در مجازاتهای بازدارنده

بنابراین با توجه به تصویب بند ۶ ماده ۶ قانون مبارالبيان، مرور زمان یکی از علل موقوفی تعقیب یا اجرای حکم است که بعد از مدت‌ها فراموشی و اختلاف نظر جنبه قانونی به خود گرفته است در این مجال سعی بر این شده است که به تحلیل مسائل مربوطه به مرور زمان در مجازاتهای بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی (تعزیرات)، مشروعيت مرور زمان، انواع مرور زمان، قلمرو مرور زمان، مبداء مرور زمان، انقطاع مرور زمان، تعليق مرور زمان و نحوه صدور قرار موقوفی تعقیب و موقوفی اجرا به لحاظ شمول مرور زمان پرداخته شود.

## تعاریف

### الف- مرور زمان:

مرور زمان مدتی است که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت، تعقیب جرم و یا اجرای حکم قطعی (جزایی) موقوف می‌شود و مجازات مقرر شده در قانون برای جرم، به مورد اجرا گذاشته نمی‌شود. به عبارت دیگر هرگاه رسیدگی به جرم و یا اجرای حکم قطعی کیفری مدت معینی به تعویق افتاد، دیگر به آن جرم رسیدگی نمی‌شود و آن حکم قطعی اجرا نمی‌شود در این حالت گفته می‌شود که جرم مشمول مرور زمان شده است.<sup>(۱)</sup>

### ب- مجازات بازدارنده:

مجازات بازدارنده، تأدیب یا عقوبی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد

۱- دکتر محمود، آخوندی، آینین دادرسی کیفری- اندیشه‌ها- جلد چهارم، انتشارات اشرف، ۱۳۷۹، ص ۱۹۵

از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن. (ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی)

#### ج- اقدامات تأمینی و تربیتی:

منتظر از اقدامات تأمینی و تربیتی، اقداماتی است که در برابر مجرمین خطرناک انجام می‌شود و هدف از آنها جلوگیری از ارتکاب جرم توسط این افراد در آینده است. و در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی به مواردی از اقدامات تأمینی و تربیتی اشاره شده است این ماده مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است به عنوان تتمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا به اقامت در محل معین مجبور نماید.»

#### د- تعزیر:

تعزیر، تأدیب و یا عقوبیتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد. (ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی)

با توجه به تعاریف فوق الذکر در ظاهر به نظر می‌رسد که مجازات بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی با تعزیرات تفاوت دارند در نتیجه مقررات مواد ۱۷۳ الی ۱۷۶ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مشمول تعزیرات نمی‌شود زیرا با توجه به تعاریف ذکر شده طبعاً از نظر مصاديق نیز مجزا خواهند بود در حالی که این طور نیست چرا که در این صورت در مجازاتهای بازدارنده تفکیک مرحله تعقیب و مرحله اجرای حکم (در صورت شمول مرور زمان) مشکل خواهد بود مضافاً

اینکه مصاديق مجازاتهای بازدارنده نیز با توجه به تعاریف آنها در قانون مشخص نشده است مثلًا حبس و جزای نقدی که در مجازات بازدارند و تعزیر ذکر شده است. (مواد ۱۶ و ۱۷ قانون مجازات اسلامی) تطبیق مصاديق آنها با مجازاتهای ذکر شده مشکل به نظر می‌رسد به عبارت دیگر معلوم نیست که در چه صورت حبس تعزیر است و در چه صورت مجازات بازدارنده، بنابراین بهتر بود که با توجه به تعاریف مفاهیم فوق الذکر، مصاديق آنها نیز در قانون مجازات اسلامی یا قوانین موضوعه دیگر مشخص می‌شد.

### مشروعیت مرور زمان

شورای نگهبان در این زمینه مرور زمان را هم در امور کیفری و هم در امور حقوقی خلاف شرع اعلام نموده است به این استدلال که: «الحق لا يسقط بتواتر الزمان» یعنی به صرف مرور زمان حق کسی ساقط نمی‌شود.

لیکن اگر به بعضی از کتب فقهی مراجعه نماییم، ملاحظه می‌گردد که به مسئله مرور زمان اشاره شده است که از آن جمله؛ شیخ صدق در کتاب مستدرک الوسائل مطرح می‌نماید که «اگر کسی زمینی را به مدت ده سال معطل بگذارد و آن را درخواست نکند، دیگر حقی ندارد».

و در مکاتب اهل سنت به ویژه ابوحنیفه در موارد بسیاری به مرور زمان اشاره می‌کند و حتی درباره شرب خمر براین عقیده است که مرور زمان آن، هنگامی به وجود می‌آید که بوی شراب از دهان نوشنده (شارب) آن از میان برود.

و یا برخی از فقهاء در مورد زنا، قایل به مرور زمان ششماهه هستند و براین باورند که اگر از جرم زنا، شش ماه بگذرد و هیچ یک از دو طرف، تعقیب نشوند، دیگر به لحاظ تحقق مرور زمان نمی‌شود آنها را مورد تعقیب و نهایةً مجازات کرد.<sup>(۱)</sup>

۱- دکتر میرمحمد صادقی، جزوی حقوق جزای عمومی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، کتابخانه دانشگاه امام صادق(ع) ص ۱۷۰

کمیسیون سابق استفتائات شورای عالی قضایی و اداره حقوقی قوه قضاییه نیز هریک به نوبه خود و به کرات به منسخ بودن قوانین مرور زمان کیفری اظهارنظر کرده‌اند.<sup>(۱)</sup> در نتیجه دادسراهای دادگاهها مرور زمان کیفری را مورد توجه قرار نمی‌دهند و به کلیه جرم‌های ارتکابی بدون ملاحظه تاریخ وقوع آن رسیدگی می‌کنند و حتی عده‌ای بحث و گفت‌وگو در چگونگی مشروعيت مرور زمان را بی‌فایده می‌دانند.<sup>(۲)</sup> لیکن با عنایت به نقش مهم و ارزنده‌ای که تأسیس حقوقی مرور زمان در فصل پرونده‌های کیفری دارد نمی‌توان چنین قوانین مهمی را نادیده گرفت و بدون مداخله مقنن و یا احراز دقیق مغایرت آن با قوانین شرع به منسخ بودنش فتوی یا حکم داد. و از فواید عملی آن چشم پوشید.

بنابراین در بقای قوانین مرور زمان و مشروعيت آن در قلمرو قوانین عرفی، می‌توان چنین اظهارنظر کرد:

**الف** - دقت در متن نظریه شورای نگهبان به خوبی می‌رساند که نظریه مزبور مربوط به مرور زمان در امور حقوقی است و ارتباطی به امور کیفری ندارد؛ زیرا چنانچه فقهای شورای نگهبان در خصوص مرور زمان کیفری نظر خاصی داشتند به حکم وظیفه دینی و قانونی خود، آن را هم اعلام می‌کردند.

نظریه شماره ۷۲۵۷ شورای نگهبان که در پاسخ به استعلام شماره ۱/۵۰۶۶۵ شورای عالی قضایی سابق ابراز گردیده، چنین است:  
آیا عدم استماع دعوای طلب و دین در دادگاه با توجه به ماده ۷۳۱ و ... در باب مرور زمان از قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۱۲ از قانون آیین دادرسی کیفری مخالف با موازین شرع است یا خیر؟

۱-نظریه مشورتی شماره ۷/۷۶۴۵/۱۳۶۴/۷/۵ «چون در قانون جزای اسلامی نه تنها مرور زمان پیش‌بینی نگردیده بلکه فصل نهم قانون مذکور در باب تخفیف مجازات جایگزین فصل نهم در تخفیف مجازات و سقوط تعقیب قانون مجازات عمومی شده است لذا به نظر، مادتین ۴۸ و ۴۹ قانون مجازات عمومی به طور ضمنی فسخ شده است.

۲-دکتر محمود، آخوندی، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ پنجم، ۱۳۷۲، ص ۲۴۷

در پاسخ فقهای شورای نگهبان اظهار نظر کرده‌اند که: «مواد ۷۳۱ قانون آینه دادرسی مدنی به بعد در مورد مرور زمان در جلسه فقهای شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به نظر اکثریت فقهای شورا مواد مذبور که مقرر می‌دارد پس از گذشتن مدتی (ده سال، بیست سال، یک سال و غیره) دعوا در دادگاه شنیده نمی‌شود، مخالف با موازین شرع تشخیص داده شد.»

علی‌هذا در امور حقوقی و مدنی مرور زمان مخالف شرع شناخته شد و آن را به امور کیفری نیز تسری دادند در مسایل کیفری مانند حدود و قصاص و دیات، شاید مشکل بتوان وجود مرور زمان را در فقه بپذیریم اما در تعزیرات که بیشتر جرایم را شامل می‌شود به نظر نمی‌رسد که بذیرفتن مرور زمان از لحاظ شرعی مشکل داشته باشد. چون اصل تعزیرات، به دست حکومت است و حکومت مجازات و شرایط اجرای آن را تعیین می‌کند.

بنابراین حکومتی که حق تصمیم‌گیری در اصل تعزیرات را دارد، می‌تواند شرایطی نیز برای آن بگذارد که یکی از آن شرایط پیش‌بینی مرور زمان است که طبق فصل ششم باب اول قانون آینه دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در مجازاتهای بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی بذیرفته شد.

**ب - مقررات قانون مجازات عمومی در خصوص سقوط مجازاتهای به علت حصول مرور زمان در هیچ یک از قوانین موضوعه مملکتی به طور صریح و ضمنی نسخ نشده است تا بتوان تأسیس حقوقی مرور زمان را از بین رفته پنداشت، زیرا آنچه طبق قول مشهور فقها مشمول مرور زمان نمی‌شود عبارت است از: الف) حقوق مالی اشخاص، ب) حدود، قصاص، دیات و تعزیراتی که نوع و مقدار آنها از طرف شارع معین گردیده است.**

**ج - باید دانست که جهان امروز، دنیای مرور زمانها است. بدون تعیین مهلت، قبول تقاضاهای، تعقیبهای، نظم جامعه را مختل می‌کند و در دادرسیها جزایی مشکلات عملی**

زیادی به وجود می‌آید و تهیه و جمع آوری دلایل نیز مشکل می‌گردد چنان‌که حتی در بسیاری از قوانین موضوعه امروزی نیز که به تأیید شورای نگهبان رسیده است مهلت به نحوی گنجانده شده است که این خود نوعی مرور زمان به شمار می‌آید.

به نظر می‌رسد در خصوص امور حقوقی هم مشکل بتوان مرور زمان را خلاف شرع دانست زیرا در مسایل حقوقی می‌توان گفت که اگر کسی پس از مدت طولانی، دعواهای اقامه نکرد اولاً براساس قاعده اقدام، علیه خود اقدام کرده است و در نتیجه دیگر حق اقامه دعوی ندارد. ثانیاً براساس قاعده اعراض دلالت می‌کند که از حقش اعراض کرده است و دویاره نمی‌تواند به حقی که اماره‌یی بر اعراض از آن داریم، بازگردد. ثالثاً براساس نفی عسر و حرج می‌توان گفت که اگر بنا باشد دعواهی با منشاء طولانی در محاکمه پذیرفته شود، عسر و حرج پدید می‌آورد و اشکالی ندارد که برای طرح دعواهی، محدوده زمانی تعیین کنیم.<sup>(۱)</sup>

### أنواع مرور زمان

مقنن در اجرای بند ۶ ماده ۶ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری که مرور زمان را از جهات موقوفی تعقیب محسوب داشته است بهتر و بجا بود که احکام مربوط به مرور زمان کیفری را مشخص می‌کرد که به طور خلاصه با انشای مواد ۱۷۳ و ۱۷۴، قانونگذار در مقام تعیین انواع مرور زمان، مبدأ مرور زمان، مدت مرور زمان و آثار مرور زمان برآمده است و این مواد بسیار ناقص و مجمل وضع شده است و مسایل اساسی مرور زمان از قبیل انقطاع مرور زمان، علل توقف مرور زمان و تعلیق آن را بیان نکرده است. که در سابق در خلال مواد ۴۹ تا ۵۳ قانون مجازات عمومی بیان شده بود به هر حال از توجه به مفاد مواد فوق الذکر متوجه می‌شویم که دو نوع مرور زمان

۱- دکتر میرمحمد صادقی، جزوی حقوق جزای عمومی (۲) کتابخانه دانشگاه امام صادق(ع) ص ۱۷۰.

وجود دارد: مرور زمان تعقیب و مرور زمان اجرای حکم.

### الف) مرور زمان تعقیب

یعنی اگر مدتی بگذرد مجرم مورد تعقیب قرار نمی‌گیرد. بنابراین گذشت زمانی را که پس از آن مجرم قابل تعقیب نباشد مرور زمان تعقیب می‌گویند.

ماده ۱۷۳ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در این زمینه مقرر می‌دارد: «در جرایمی که مجازات قانونی آن از نوع مجازات بازدارنده، یا اقدامات تأمینی و تربیتی باشد و از تاریخ وقوع جرم تا انقضای موعد مشروطه ذیل تقاضای تعقیب نشده باشد و یا از تاریخ اقدام تعقیبی تا انقضای مواعده مذکوره به صدور حکم منتهی نشده باشد تعقیب موقوف خواهد شد.

**الف-حداکثر مجازات مقرر بیش از سه سال حبس یا جزای نقدی بیش از یک میلیون ریال با انقضای مدت ده سال**

**ب-حداکثر مجازات کمتر از سه سال حبس یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال با انقضای مدت پنج سال**

**ج-مجازات غیر از حبس یا جزای نقدی با انقضای مدت سه سال و اگر مجازات حبس یا جزای نقدی یا شلاق هر سه تعیین شده باشد مدت حبس، ملاک احتساب خواهد بود.**

در سابق وفق ماده ۴۹ قانون مجازات عمومی «مرور زمان، تعقیب جرم را موقوف می‌کرد و مدت آن به قرار زیر بود:

۱- پانزده سال برای جرمی که مجازات آن اعدام یا حبس دائم است.

۲- ده سال برای سایر جنایات

۳- پنج سال برای حنجه‌هایی که جداکثر مجازات آنها سه سال حبس حنجه‌ای است.

۴- سه سال برای سایر حنجه‌ها.

-۵- یک سال برای خلاف.

در مقایسه دو قانون فوق الاشعار ملاحظه می‌گردد که مقررات قانون مجازات عمومی واضحتر از قانون آینین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری می‌باشد زیرا در قانون مجازات عمومی جرایم مشمول مرور زمان و مواعده متعلقه کاملاً مشخص و احصاء شده بود که مانع از تغایر مختلف مقامات قضایی بود و باعث می‌شد که مقررات مرور زمان نیز به موقع اجرا شوند در حالی که در قانون فعلی جرایم مشمول مرور زمان به طور واضح مشخص و احصاء نشده و در نتیجه موجب مشکلات عملی در دادرسیهای جزایی خواهد شد.

### نحوه صدور قرار موقوفی تعقیب به لحاظ شمول مرور زمان

به تاریخ بیستم دی‌ماه هزار و سیصد و هفتاد و نه در وقت فوق العاده پرونده به کلاسه - تحت نظر قرارداد ملاحظه می‌گردد که آقای الف به اتهام ارتکاب یک فقره جعل سند رسمی مورد تعقیب قرارگرفته است لیکن چون از تاریخ اولین اقدام تعقیبی بیش از ده سال می‌گذرد و هنوز پرونده منجر به صدور حکم نشده است علی‌هذا مستنداً به بند الف ماده ۱۷۳ قانون آینین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و عنایت به بند ۶ ماده ۶ همان قانون قرار موقوفی تعقیب متهم صادر و اعلام می‌گردد این قرار در فرجه قانونی قابل اعتراض از طرف شاکی خصوصی در دادگاه تجدیدنظر استان است. مقرر است دفتر قرار صادره به شاکی خصوصی ابلاغ گردد.

### ب - مرور زمان اجرای حکم یا مجازات:

گاهی تعقیب، صورت می‌گیرد و محاکومیت نیز حاصل می‌شود لیکن به لحاظ مرور زمان مجازات مورد حکم، اجرا نمی‌شود. در قانون مجازات عمومی، مدت مرور زمان

اجرا، بیشتر از مرور زمان تعقیب بود چون در مرحله اجرا، مجرم، محاکومیت حاصل کرده بود لذا مدت بالنسبة طولانی تری بایست می‌گذشت تا فرد را قابل مجازات بدانند در حالی که در قانون جدید موارد فرق نمی‌کند. وفق ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری: «در موارد مذکور در ماده قبل هرگاه حکم صادر گردیده ولی اجرا نشده باشد، پس از انقضای موارد مقرر در همان ماده از تاریخ قطعیت حکم، اجرای آن موقوف می‌گردد و در هر حال آثار تبعی حکم به قوت خود باقی خواهد بود.»

**فرمول صدور قرار موقوفی اجرا به لحاظ شمول مرور زمان**

در خصوص اتهام آقای الف دایر بر حمل مشروب الکلی نظر به اینکه از تاریخ صدور حکم قطعی بیش از ۵ سال سپری شده و علی‌ای حال حکم به مرحله اجرا در نیامده است مستنداً به ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و عنایت به بند ۶ ماده ۶ و بند ب ماده ۱۷۳ همان قانون قرار موقوفی اجرا به لحاظ شمول مرور زمان صادر و اعلام می‌گردد. مقرر است دفتر پرونده از آمار کسر و بایگانی گردد.

### قلمرو مرور زمان

کلیه قوانین راجع به مرور زمان کیفری ناظر به نظم عمومی بوده و جنبه عام و کلی دارد لیکن بنابر تصریح ماده ۱۷۳ مرور زمان فقط در مورد مجازاتهای بازدارنده یا اقدامات تأمینی و تربیتی است اما اینکه مصادیق مجازاتهای بازدارنده در قانون مجازات اسلامی کدام است اختلاف نظر وجود دارد. در این زمینه چندین نظریه در میان همکاران قضایی وجود دارد که ذیلاً آورده می‌شود:

۱- عده‌ای معتقدند که مجازات بازدارنده همان مواردی است که در بخش تعزیرات،

قانون مجازات اسلامی آمده است.

۲- برعی معتقدند که مجازات بازدارنده غیر از تعزیرات است و شامل مواردی است که جنبه شرعی ندارد بلکه از طرف حکومت پیش‌بینی شده و جزو احکام ثانویه است و جنبه تأسیسی دارد نه امضایی.

۳- عده‌ای دیگر معتقدند که ماده ۱۷۳ ق.آ.د.ک. قابلیت اجرایی ندارد زیرا مصاديق آن در قوانین موضوعه کیفری مشخص نشده است.

۴- و بالآخره عده‌ای نیز معتقدند که مصاديق ماده ۱۷۳ در بخش تعزیرات آمده است لیکن موارد آن مشخص نشده است و تشخیص آن به عهده قضات دادگستری گذاشته شده است که براساس تفسیر قضایی، قضات می‌توانند آن را مشخص کنند که به نوعه خود موجب صدور آرای متفاوت و رویه‌های مختلف خواهد شد.

آنچه که به نظر می‌رسد مرجع باشد این است که مجازات بازدارنده یا اقدامات تأمینی و تربیتی همان است که در قسمت تعزیرات قانون مجازات اسلامی آمده است و مواردی غیر از حدود، قصاص و دیات را شامل می‌شود. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در پاسخ به استعلام یک مرجع قضایی اعلام داشته است:

«کیفرهای مقرر برای جرایم جعل اسناد، مدارک عادی و غیررسمی و استفاده از سند مجموع به نحو مندرج در قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) کلاً جنبه بازدارنده داشته و در صورت تحقق شرایط لازم قانونی، مشمول مرور زمان مقرر در فصل ششم باب اول قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب می‌باشد.»<sup>(۱)</sup>

در نتیجه اولاً: قضات دادگستری و متهمین حق ندارند این نوع قوانین را نادیده گرفته و خلاف آن عمل کنند. مثلاً هرگاه جرم ارتکابی مشمول مرور زمان شده باشد متهم نمی‌تواند درخواست کند که تعقیب و محاکمه ادامه یابد تا او بتواند بی‌گناهی خود را

ایلات کند.

ثانیاً مراجع کیفری مکلفند رأساً به مسأله مرور زمان توجه کنند هرچند از طرف متهم ایرادی نشده باشد که در این خصوص دادگاه عالی انتظامی قضات در حکم شماره  $\frac{۴۷۷۷}{۱۳۲۵/۱۲۹}$  اعلام داشته است: «به جریان انداختن دعوی جنایی که مشمول مرور زمان شده تخلف است زیرا درست است که متهم یا وکیلش در این باب تذکری نداده و از این حیث اعتراض نکرده‌اند ولی عدم تذکر متهم به اینکه قضیه مشمول مرور زمان گردیده کافی برای رفع مسؤولیت بازپرس یا دادرس نبوده و مکلف بوده‌اند که این جهت را درنظر بگیرند».

ثالثاً: ایراد مرور زمان در تمام مراحل دادرسی کیفری مسموع است چراکه در صورت حصول مرور زمان مراجع کیفری مکلفند در هر مرحله‌ای از مراحل رسیدگی، قرار موقوفی تعقیب (ماده ۱۷۳) و یا قرار موقوف‌الاجرا ماندن محاکومیت را صادر و اعلام نمایند (ماده ۱۷۴).

رابعاً: در قانون مجازات عمومی، مرور زمان کلیه جرایم (اعم از جنایت، حنجه و خلاف) را تحت پوشش خود قرار می‌داد مگر اینکه به موجب قوانین خاص بعضی از جرایم، استثناء شده بود، مانند احکام غایابی دادگاههای نظامی که مشمول مرور زمان نمی‌شد.<sup>(۱)</sup> در حالی که در قانون آیین دادرسی کیفری جدید مرور زمان صرفاً در جرایمی که مجازات قانونی آن از نوع مجازات بازدارنده یا اقدامات تأمینی و تربیتی باشد جاری است.

خامساً: صدور قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرا مانع استیفاده حقوق شاکی و مدعی خصوصی نخواهد بود (ماده ۱۷۵).

## مبدأه مرور زمان

منظور از مبدأه مرور زمان تاریخ شروع آن است. تشخیص این تاریخ مسئله مهم و دقیقی است و آثار حقوقی مهمی دارد زیرا از این تاریخ است که مرور زمان، شروع می شود و جریان می یابد.

از لحاظ منطقی و به حکم عقل سلیم مبدأه مرور زمان تاریخ وقوع جرم است چنان که سابقاً ماده ۵۰ قانون مجازات عمومی از این فکر الهام گرفته و ابتدای مرور زمان را تاریخ وقوع جرم تعیین کرده بود. در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری طبق تصریح ماده ۱۷۳، مبدأه مرور زمان در مرحله تعقیب از تاریخ وقوع جرم و یا از تاریخ اولین اقدام تعقیبی و در مرحله اجراء، از تاریخ قطعیت حکم، مرور زمان شروع می شود (ماده ۱۷۴).

هر چند تشخیص تاریخ وقوع جرم، در بسیاری از موارد، مثل جرایم آنی، امر ساده‌ای است و به آسانی می توان آن را تشخیص داد. ولی در برخی موارد مانند جرایم مستمر و جرایم اعتباری، این تشخیص به سادگی امکان‌پذیر نبوده و به دقت نظر بیشتری نیاز دارد. که در جرایم مستمر مثل توقيف غیرقانونی اشخاص و اخفاک مال مسروقه مرور زمان از تاریخ خاتمه عمل مجرمانه شروع می شود مثلاً در مورد اخفاک مال مسروقه مرور زمان از فردای روزی که مال مسروقه از ید مخفی‌کننده خارج می شود شروع می‌گردد و در جرایم اعتیادی مثل قوادی، طبق قواعد کلی، مرور زمان از تاریخ ارتکاب آخرین عملی که برای تحقق جرم ضرورت دارد شروع می شود.

## انقطاع مرور زمان

هر اقدام تعقیبی که توسط مقام صلاحیتدار انجام بشود، موجب قطع مرور زمان می شود. یعنی جریان مرور زمان ممکن است به علیق قطع شود؛ در این صورت مدت منقضی شده جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌گردد و از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی

مرور زمان جدیدی آغاز می‌گردد. ماده ۵۱ قانون مجازات عمومی در این زمینه مقرر می‌داشت که: «جريان مرور زمان به وسیله هر اقدام تحقیقی یا تعقیبی که توسط مقام صلاحیتدار به عمل آمده باشد اگرچه مرتکب معلوم نباشد قطع می‌گردد. مدت قبل مرور زمانهایی که قطع شده به حساب آورده نمی‌شود.»

در مقررات فعلی نسبت به انقطاع مرور زمان مطلبی اشاره نشده است. لیکن بهتر و بجا بود که در این خصوص نیز مفتن این خلاه قانونی را پر می‌کرد چرا که مقررات را طوری وضع نموده است که قاضی به آسانی نمی‌تواند تشخیص دهد که در چه صورت و در چه موقعی طبق مرور زمان عمل کند و حسب مورد قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرا صادر نماید.

شایان ذکر است که فقط اقدام تعقیبی مقامات قضایی می‌تواند قاطع مرور زمان کیفری باشد، نه اقدامات مراجع قضایی غیرصالح و یا دفاتر مراجع قضایی مربوطه. بنابراین هرگاه مدیر دفتر یک مرجع کیفری دستور احضار متهم را صادر کند و یا دستور تجدید اوراق احضاریه و ابلاغ مجدد آنها را بدهد این اقدامات قاطع مرور زمان کیفری نخواهد بود.

### تعليق مرور زمان

در مواردی که تعقیب یک امر جزایی موكول به اجزاء مراجع معین یا منوط به رسیدگی و تعیین تکلیف موضوع خاص در مراجع صالح دیگر باشد جریان مرور زمان متوقف می‌گردد و مدتی که تعقیب امر جزایی به علل مذکور متعلق می‌ماند جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود.

بنابراین تعليق مانع جريان مرور زمان است و با انقطاع مرور زمان وجوده تشابه و از طرفی مباینت دارد، وجه تشابه از اين نقطه نظر است که در هر دو مورد مدت قبلی به حساب آورده نمی‌شود. وجه مباینت به اين اعتبار است که در موارد تعليق هیچ وقت

جرائم مشمول مرور زمان نمی‌گردد. در حالی که در موارد انتقطاع ممکن است جرم باز هم مشمول مرور زمان شود. زیرا بلافاصله پس از انتقطاع، مدت جدید مرور زمان شروع شده و جریان می‌یابد. بنابراین اگر ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری را شامل تعزیرات بدانیم در این صورت تعلیق مجازات در آن محقق خواهد شد و علل تعلیق مرور زمان را می‌توان به شرح ذیل نام برد:

- ۱- علل قضایی: علی که به طور موقت مانع تعقیب جرم هستند و جریان مرور زمان را متعلق می‌کنند؛ مثل تحصیل اجازه برای تعقیب نمایندگان مجلس شورای اسلامی که در صورت عدم حصول اجازه تعقیب، مرور زمان متعلق می‌شود.
- ۲- علل عملی: بعضی از امور در عمل مانع تعقیب متهم بوده و مرور زمان را متعلق می‌سازد مثل اشغال کشور به وسیله قوای خارجی در جنگ.
- ۳- علل قانونی: در بعضی موارد طبق دستور مقتن جریان مرور زمان متعلق می‌گردد مثلاً در رابطه با زنان حامله که قانون اجرای شلاق را قبل از وضع حمل ممنوع نموده است و آن را مانعی برای اجرای مجازات دانسته است لذا تارفع مانع، مرور زمان ادامه نمی‌یابد و پس از رفع مانع است که مرور زمان شروع می‌شود. (ماده ۲۸۸ ق.آ.د.ک)
- ۴- جنون ادواری متهم: جنون هرگاه بعد از ارتکاب جرم و قبل از دادرسی عارض شده باشد از علل تعلیق مرور زمان به شمار می‌آید.

### اثر مرور زمان

مرور زمان، کلاً آثار محکومیت را از نظر مجازات از بین می‌برد. مثلاً مقررات تکرار جرم را نمی‌شود علیه فردی که عملش مشمول مرور زمان شده است، اجرا کرد و اگر پس از بیست سال، باز جرمی مرتکب شود گفته نمی‌شود که تکرار جرم کرده است. چون جرم قبلی، مشمول مرور زمان شده است و به کلی از سجل کیفری او پاک می‌شود نکته قابل ذکر این است که صدور موقوفی تعقیب یا توقف اجرای حکم مانع استیفاده

حقوق شاکی و مدعی خصوصی نخواهد بود (ماده ۱۷۵). بنابراین اگر مجازات جرمی مشمول مرور زمان شد بایستی حسب مورد در خصوص آن قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرا صادر کرد که فرمول صدور آن قبل‌ذکر گردید.

### نتیجه

با عنایت به نقش مهم و ارزندهای که تأسیس حقوقی مرور زمان در فصل پرونده‌های کیفری دارد نمی‌توان چنین قوانین مهم و حساسی را بدون مداخله مفنن و یا احراز دقیق مقایرت آن با قوانین شرع به منسخ بودنش فتوی داد و از فواید عملی و کاربردی آن اغماض کرد. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در سالهای اخیر از نظریه قبلی خود عدول کرده به این استدلال که در قانون راجع به مجازات اسلامی ذکری از مرور زمان نشده و مقررات قانون مجازات عمومی در خصوص مرور زمان نسبت به مجازاتهای عرفی نسخ نشده است نه صریحاً و نه ضمناً و عدم ذکر مسئله‌ای در قانون راجع به مجازات اسلامی به معنای نسخ آن نیست چنانکه مسایل دیگری هم در قوانین مصوبه مجلس شورای اسلامی نیامده است و در مورد آنها به قانون مجازات عمومی عمل می‌شود مثل مقررات مربوط به شرکت در منازعه. مضافاً به اینکه شورای نگهبان فقط در خصوص مرور زمان در دعاوی مدنی از اظهارنظر بر مخالفت آن با شرع نموده است و در مورد جزائیات و مرور زمان در آنها اظهارنظر نکرده است که البته به نظر می‌رسد که در امور مدنی و حقوقی نیز براساس قاعده اقدام، اعراض و عسر و حرج بتوان مرور زمان را پذیرفت که در صورت عدم قبول، موجب عسر و حرج خواهد شد.

بنابراین مرور زمان مذکور در قوانین آیین دادرسی کیفری و مجازات عمومی مربوط به مجازاتهای عرفیه یعنی مجازاتهای مقرر از طرف حکومت برای حفظ نظام است و در حقیقت چیزی جز سقوط مجازات با تحقق شرایط قانونی آن نیست و شامل حدود و قصاص و دیات و تعزیراتی که نوع و میزان آنها از طرف شارع مقدس تعیین گردیده است.

نمی شود و فقهای شورای نگهبان هم آن را مخالف شرع اعلام نکرده‌اند و صریحاً و ضمناً نیز نسخ نشده است و قانوناً باقی است و مقررات مربوط به آن لازم‌الاجرا می‌باشد.<sup>(۱)</sup>

نکته دیگر اینکه مجازاتهای مقرر برای جرایم جعل استناد، مدارک عادی و غیررسمی و... به نحو مندرج در قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی) کلاً جنبه بازدارنده داشته و در صورت تحقیق شرایط لازم قانونی مشمول مقرر در فصل ششم باب اول قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب می‌باشد. به عبارت دیگر مقررات مواد ۱۷۳ الى ۱۷۶ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری شامل بخش تعزیرات هم می‌گردد.